للّه الحمد عالم را بطرازی مزيّن نموده و بردائی متردّی فرموده که صاحبان جنود و صفوف و عزّت و ثروت قادر بر نزع آن نه قل إنّ القدرة کلّها للّه مقصود العالمين و العظمة کلّها للّه معبود من فی السّموات و الأرضين اين مظاهر ترابيّه قابل ذکر نبوده و نيستند بگو آبشخور اين طيور صحرائی ديگر و مقامی ديگر است من يقدر أن يطفئ ما أناره اللّه بيده البيضاء و من يستطيع أن يخمد ما اشعلته يد قدرة ربّک القويّ الغالب القدير اشتعال نار فتنه را يد قدرت خاموش نمود إنّه هو المقتدر علی ما يشاء بقوله کن فيکون قل إنّ جبل سکون أصفيائی لا يتزعزع من أرياح العالم و لا من قواصف الأمم سبحان اللّه اين قوم را چه بر آن داشت که اوليای حق را اسير نمايند و بحبس فرستند سوف يرون المخلصون شمس العدل مشرقة من افق العلاء کذلک يخبرک مولی الوری فی سجنه المتين ...